

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتادوسوم

بهار ۱۳۹۷

جریان تاریخ‌نگاران امامی بصره از آغاز تا اواسط سده چهارم هجری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱/۲۳

سیداکبر موسوی تینیانی^۱

آگاهی از قلمرو جغرافیایی مورخان شیعه دوازده امامی و موضوعات مورد اهتمام آنها، می‌تواند سودمندی‌های فراوانی برای تحلیل تاریخ امامیه داشته باشد. در پژوهش پیش‌رو، با رویکردی وصفی و تحلیلی، فعالیت‌های تاریخ‌نگاری اصحاب امامیه از آغاز تا اواسط سده چهارم هجری در بصره مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش، حکایت از آن دارد که امامیان بصره برای دفاع از اندیشه‌های کلامی خویش، به مباحث تاریخی و تاریخ‌نگاری روی آوردند و همانند دیگر گروه‌های فکری سده‌های نخستین اسلامی، به بازخوانی رویدادهای تاریخی، به‌ویژه تاریخ صدر اسلام و تدوین آثاری در این زمینه پرداختند.

کلیدواژگان: امامیه، نقش علمی شیعیان، تاریخ‌نگاری، محمدبن زکریا غلابی، عبدالعزیز جلّودی.

۱. دکتری شیعه‌شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث: tanyani_110@yahoo.com

مقدمه

بصره، یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی در سده‌های نخستین به شمار می‌رود و بصریان در تکوین و شکوفایی تاریخ‌نگاری اسلامی، نقش مهم و بسزایی داشته‌اند. به سبب حضور قبایل گوناگون و مختلف در بصره و نیز نقش آن شهر در گسترش فتوحات و همچنین وقوع رویدادهای چالش‌برانگیز سیاسی و فکری چون جنگ جمل در آن سامان، بصری‌ها بیش از هر چیزی به تاریخ‌نگاری توجه نشان داده‌اند.^۱ معمولاً در پژوهش‌های جدید حوزه تاریخ‌نگاری، بصره در کنار حوزه تاریخ‌نگاری کوفه به عنوان مکتب عراق تعریف می‌شود^۲ که در برابر مکاتب تاریخ‌نگاری دیگری چون مکتب مدینه^۳ قرار داشته است. پیدایش مکتب تاریخ‌نگاری بصره تقریباً به سده اول هجری بازمی‌گردد؛ اما در سده دوم و سوم، دانش تاریخ‌نگاری در عرصه‌های مختلفی در بصره رشد فزاینده‌ای داشته است و در این دوره، تاریخ‌نگاران بزرگی از آن شهر برخاستند و آثار ماندگاری را پدید آوردند. از مورخان بنام این مکتب می‌توان به افرادی چون: ابوالیقظان

۱. درباره مکتب تاریخ‌نگاری بصره، رک: ناجی، *المدارس التاريخية*، سراسر کتاب.

۲. مکتب تاریخ‌نگاری عراق که شامل دو مرکز کوفه و بصره است، یکی از مکاتب مهم تاریخ‌نگاری اسلامی در سده‌های نخستین اسلامی به شمار می‌رود. تاریخ‌نگاری عراق، تحت تأثیر نزاع‌های قبیله‌ای که در پوشش گرایش‌های سیاسی و فرقه‌ای و مذهبی بروز یافته بود، قرار داشته است. افزون بر این، تساهل در ذکر اسانید حوادث و توجه به اخبار و ایام و انساب، دو ویژگی بارز مکتب تاریخ‌نگاری عراق است. (سجادی و عالم‌زاده، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ص ۵۵ - ۶۵)

۳. نخستین نمایندگان مکتب تاریخ‌نگاری مدینه و پدیدآوردگان این مکتب، محدثان مدنی می‌باشند که در حلقه‌های نقل و سماع حدیث از مشایخ تربیت شده بودند. از این‌رو، آن را مکتب اهل حدیث نیز خوانده‌اند. اهل حدیث در آغاز به مغازی و سیره پیامبر ﷺ اهتمام داشتند و بعدها به سایر قصص و اخبار تاریخی نیز توجه نشان دادند؛ ولی این مباحث، هیچ‌گاه اهمیت تاریخی پیدا نکرد. (سجادی و عالم‌زاده، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ص ۴۷ - ۶۵)

سُحَیْمِ بْنِ حَفْصِ بَصْرِي (م ۱۹۰ق)، مُورَجِّ بْنِ عَمْرٍو سِدُوسِي بَصْرِي (م ۱۹۵ق)، مَعْمَرِ بْنِ مِثْنِي بَصْرِي (م ۲۱۳ق) و عَمْرِ بْنِ شَبَهٍ نَمِيرِي بَصْرِي (م ۲۶۲ق) اشاره کرد.^۱

به نظر می‌رسد که درگیری‌های سیاسی - کلامی در سده‌های دوم و سوم در بصره، موجب رشد و گسترش مباحثات تاریخی و تاریخ‌نگاری در آن عصر شده است؛ به‌ویژه آنکه جریان مقتدر کلامی معتزله در کنار شیعه، خوارج و اهل حدیث در بصره فعالیت می‌کردند و رویدادهای تاریخی چون ماجرای جانشینی پیامبر ﷺ و درگیری‌ها صحابه نیز بسترساز پاره‌ای از موضوعات بحث‌برانگیز کلامی گروه‌های یادشده بوده است. از این‌رو، می‌توانید هر یک از این گروه‌های فکری، در راستای دیدگاه کلامی خویش حوادث تاریخی را بازخوانی کرده، انعکاس دهند. به همین جهت است که بصریان در خصوص منازعات صدر اسلام، آثار قابل توجهی را از خود بر جای گذاشته‌اند.^۲

پرسش اساسی این پژوهش، آن است که آیا شیعیان به عنوان یکی از نحله‌های مهم فکری و سیاسی، در تدوین تاریخ‌نگاری بصره نقش آفرین بوده‌اند؟ همچنین، پاسخ به این پرسش‌ها حایز اهمیت است که نقش آفرینی مورخان امامی بصره، به چه میزان بوده است؟ آیا آنان بر مورخان غیرامامی بصره تأثیرگذار بوده‌اند؟ به نظر می‌رسد امامیه به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های فکری برای دفاع از اندیشه‌های خویش، همواره به مباحث تاریخی و تاریخ‌نگاری توجه داشته است و در این میان، شیعیان بصری نیز که در بصره به عنوان یکی از مراکز اصلی تاریخ‌نگاری اسلامی می‌زیستند، در کارزار تدوین و بازخوانی رویدادهای تاریخی، به‌ویژه تاریخ صدر اسلام، همانند سایر گروه‌های فکری فعال بوده‌اند.

۱. ابن ندیم، فهرست، ص ۴۳، ۵۶، ۱۰۶ و ۱۰۷؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۴۴۵؛ همان، ج ۱۲، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۲. مانند کتاب‌های: الجمل الکبیر، صفین الکبیر، مقتل امیر المومنین علیه السلام و مقتل الحسین علیه السلام تألیف محمد بن زکریا غلابی بصری (نجاشی، رجال، ص ۳۴۷)، و یا کتاب‌های: صفین، الخوارج، الجمل و کتاب حروب علی علیه السلام تألیف عبدالعزیز جلودی بصری (نجاشی، رجال، ص ۲۴۰ و ۲۴۱)

با جست‌وجویی که در میان پژوهش‌های جدید انجام گرفت، تنها چند مقاله درباره بعضی مورخان شیعی بصره نگاشته شده است که عبارت‌اند از: مقاله «علی‌بن محمد نوفلی و کتاب الأخبار او» نوشته رسول جعفریان،^۱ «غلابی و روایات بازمانده از او» نوشته محمدعلی چلونگر^۲ و مقاله «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین» نوشته منصور داداش‌نژاد^۳ که بخشی از این مقاله به شیوه و سبک تاریخ‌نگاری جلودی (م ۳۳۲ق) پرداخته است. با این حال، پژوهشی یافت نشد که تاریخ‌نگاران امامی در بصره را به عنوان یک جریان مورد شناسایی و تحلیل و بررسی قرار داده باشد؛ درحالی که برای تبیین زوایای پنهان تاریخ تفکر امامیه، معرفی و تحلیل جریان تاریخ‌نگاران امامیه اهمیت زیادی دارد. شایان ذکر است که منظور از تاریخ‌نگاران بصره در این مقاله، کسانی هستند که در شهر بصره فعالیت‌های تاریخی داشته‌اند و همچنین، آثار تاریخی نیز تألیف کرده‌اند.

۱. نقش تاریخ در مجادلات سیاسی و کلامی

دانسته است که بعضی از دانش‌های اسلامی بر معرفت تاریخی استوار است و گزارش‌های تاریخی در آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. دانش کلام، یکی از آنها می‌باشد که در موارد بسیاری، از جمله در مسائل امامت و خلافت، به شدت به داده‌های تاریخی نیازمند است. همچنین، در بخش‌هایی از مباحث کلامی چون نبوت و امامت نیز به گزارش‌های تاریخی نیاز پیدا می‌شود؛ چراکه این موضوعات همگی در یک بستر تاریخی پدید آمده و سامان یافته‌اند. در این میان، مسئله چالش برانگیز کلامی، یعنی خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ و درگیری‌های صحابه، بیش از هر چیزی به روایات تاریخی وابسته بوده است. از این رو، می‌بینیم شمار قابل توجهی از متکلمان شیعه و سنی، به تاریخ‌نگاری صدر اسلام

۱. مجله علوم حدیث، ۱۳۸۷، ش ۴۹ و ۵۰.

۲. مجله تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۹، ش ۸۵.

۳. نامه تاریخ‌پژوهان، ۱۳۸۶، ش ۱۰.

اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. ناگفته نماند که در قرون نخستین، اغراض و انگیزه‌های سیاسی در پیدایش پاره‌ای از موضوعات کلامی نقش آفرین بوده و اصلاً بعضی از مسائل کلامی، در بستر منازعات سیاسی رخ نمایانده است؛ حتی برخی از نحله‌های کلامی، با پشتیبانی دستگاه خلافت به وجود آمده و فعالیت می‌کردند.^۱ بنابراین، ارتباط و پیوند سیاست با کلام، قهراً موجبات دخالت قدرت سیاسی در مباحثات کلامی را فراهم می‌نمود. البته سیاست‌مداران نیز با تحریف حقایق تاریخی - به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع دانش کلام - می‌کوشیدند گفت‌وگوهای کلامی را در جهت اغراض سیاسی خود سامان‌دهی نمایند. در این زمینه، می‌توان به اقدامات هدفمند خلفا و کارگزاران اموی اشاره کرد. گفته شده عبدالملک بن مروان، خلیفه مقتدر اموی، شخصاً از ناقلان حدیث درخواست می‌کرده که فضایل عثمان را منتشر نمایند و در مقابل، از حضرت علی علیه السلام بد بگویند^۲ و یا اینکه خالد بن عبدالله قسری (م ۱۲۰ق)، حاکم عراق در عهد مروانیان، از ابن شهاب زهری (م ۱۲۴ق) درخواست کرد که در تاریخ و سیره، کتابی تألیف نماید و در آن، درباره علی بن ابی طالب علیه السلام چیزی نوشته نشود؛ مگر آنکه او را در قعر جهنم ببینی!^۳

همچنین، دستگاه خلافت انتشار هرگونه گزارشی از واقعیات تاریخی مغایر با رویکردهای کلامی و دیدگاه سیاسی‌شان را بر نمی‌تابید و به شدت با راویان این‌گونه اخبار برخورد می‌کرد. از این‌رو، برخی از گزارشگران و تاریخ‌نگاران به سبب واهمه از دستگاه خلافت، از گفتن حقایق تاریخی درباره اهل بیت علیهم السلام سرباز می‌زدند.^۴ گفته شده حسن بصری در زمان بنی‌امیه جرئت نداشت از امیر مؤمنان علیه السلام نام ببرد. به همین سبب، با کنیه

۱. رک: قاضی عبدالجبار، *فضل الاعتزال*، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۲، ص ۴۰۲.

۳. ابوالفرج اصفهانی، *الاعانی*، ج ۲۲، ص ۲۸۱.

۴. ابن اثیر، *اسد الغابۃ*، ج ۲، ص ۲۰.

نامشهور «ابو زینب» از آن حضرت حدیث نقل می‌کرد.^۱ این وضعیت ناگوار، در برهه‌هایی از خلافت بنی‌عباس نیز تداوم پیدا کرد.^۲

با بررسی این گزارش‌ها، روشن می‌شود که مباحث کلامی و سیاسی، نقش پُررنگی در نگارش‌های تاریخی داشته است. از این‌رو، جریان‌های سیاسی و کلامی، بیشتر به گزاره‌های تاریخی و تاریخ‌نگاری توجه نشان می‌دادند.

۲. اهمیت تاریخ‌نگاری در نزد شیعیان

شیعیان در عرصه تاریخ‌نگاری، همواره پیشگام بوده‌اند و ائمه علیهم‌السلام نیز اصحاب را به پیگیری مباحثات تاریخی و تاریخ‌نگاری، ترغیب می‌کردند.^۳ گفتنی است که دو عامل اساسی و تعیین‌کننده موجب گردید تا ائمه علیهم‌السلام یاران‌شان را به پیگیری مباحثات تاریخی تشویق نمایند و در پی آن، اصحاب امامیه نیز در قرون نخستین به تاریخ و تاریخ‌نگاری اهمیت دهند:

نخست اینکه بعضی از مباحث کلامی، از جمله مسئله چالش‌برانگیز جانشینی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و درگیری‌های صحابه، در یک بستر تاریخی پدیدار آمده بودند. پس، دانش کلام و مسائل اعتقادی، بیش از هر چیزی به گزارش‌های تاریخی وابسته بوده است و از همین رو، اصحاب امامیه به مباحثات تاریخی توجه نشان داده‌اند.

دوم، برخورد ناصواب و تحریف مسائل تاریخی به نفع اغراض سیاسی و عقیدتی از سوی جریان هوادار دستگاه خلافت بوده است و تاریخ‌نگاران این جریان می‌کوشیدند در راستای اهداف سیاسی و کلامی دستگاه خلافت، اخبار مربوط به سیره و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را تا حدّ ممکن کتمان، تحریف و تضعیف و یا همانندسازی نمایند. بنابراین،

۱. ابن حجر، *نزهة الباب*، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲. ابن زولاق، *فضائل مصر*، ص ۴۸.

۳. طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۴۷۶؛ ابن‌کنیر، *البدایة والنهایة*، ج ۳، ص ۲۹۷.

شیعیان از همان سده نخست هجری، به ثبت گزارش‌های تاریخی اهتمام ورزیدند و از نگاشته‌های تاریخی شیعه در این سده، می‌توان به کتاب *مقتل الحسین اصبح بن نباته* و کتاب *سلیم بن قیس* اشاره کرد.^۱ در سده دوم نیز شیعیان همانند دیگر جریان‌های فکری، با شتاب بیشتری در عرصه تاریخ‌نگاری ظاهر شدند. در این عصر، علاوه بر تاریخ‌نگارانی چون محمد بن اسحاق و ابومخنف لوط بن یحیی ازدی که به نوعی به جریان عمومی تشیع تعلق داشتند، برخی از اصحاب نزدیک ائمه علیهم‌السلام مانند: جابر بن یزید جعفی، هشام بن محمد بن سائب کلبی^۲ و معروف بن خربوذ^۳ نیز به تاریخ‌نگاری اهتمام داشتند.

۳. تاریخ‌نگاران امامی بصره و نقش آنان در نشر اخبار تاریخی

آغاز تاریخ‌نگاری امامیه بصره، تقریباً به نیمه دوم سده دوم هجری بازمی‌گردد و تا اواسط سده چهارم نیز در آن سامان امتداد داشته است. مورخان امامی بصره در موضوعات مختلف تاریخی، به‌ویژه در مسائل چالش‌برانگیز شیعه با اهل سنت فعالیت می‌کردند و در این زمینه، آثار مهم و پُرشماری را نیز تألیف کرده بودند. باید افزود که برخی از مسائل اختلاف‌برانگیز تاریخ اسلام همانند جنگ جمل، در پهنه جغرافیایی بصره رخ داده بود که افزون بر نمود سیاسی و نظامی این نبرد، بازخورد کلامی آن همواره در صحنه‌های دانش کلام آن سامان بازتاب داشته است و این رخداد مهم، بستری برای طرح مباحث کلامی در قرون متمادی گردید.

در کارزار بازخوانی حوادث تاریخی در حوزه تاریخ‌نگاری بصره، دانشیان تاریخ‌نگار امامیه در آن شهر به‌خوبی آگاه بودند که نباید عرصه دانش تاریخ‌نگاری منازعات صدر اسلامی را به رقبای فکری و مذهبی واگذارند؛ بلکه باید با تمسک به برخی از گزارش‌های

۱. نجاشی، رجال، ص ۸.

۲. همان، ص ۱۲۸، ۱۲۹ و ۴۲۴.

۳. ابن حجر، تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۰۰.

تاریخی، چونان سدی محکم در مقابل باورسازی برخی از متکلمان مخالف ایستادگی نمایند. از این رو، آنان می‌کوشیدند با نقل صحیح تاریخ و تألیف آثاری درباره حوادث سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام، ضمن مقابله با انحراف گزارش‌های تاریخی، از تأثیرگذاری کلامی ناشی از تاریخ‌سازی‌های مخالفان نیز جلوگیری کنند.

در این مجال، به معرفی برخی تاریخ‌نگاران امامی فعال در بصره و فعالیت‌های تاریخی‌شان می‌پردازیم:

۳-۱. شوکر بصری (زنده سده دوم هجری)

یکی از تاریخ‌نگاران شیعه در بصره، شخصی به نام شوکر می‌باشد که آگاهی چندانی از این شخصیت شیعی در دست نیست و از تبار و خاندانش نیز چیزی گزارش نشده است. در منابع متقدم امامیه چون رجال نجاشی و فهرست طوسی، از این چهره تاریخی سخنی به میان نیامده است؛ با این حال، بعضی از منابع عامه، اطلاعات اندکی درباره این مورخ شیعی به دست می‌دهند. ابن شبه نمیری (م ۲۶۲ق)، از تاریخ‌نگاران بصری، او را از اهل بصره برشمرده است.^۱ رجال‌شناسان اهل سنت با تعبیر «اخباری مورخ» از وی یاد کرده‌اند^۲ و افزوده‌اند که شیعه است و به سخنانش اعتمادی نیست.^۳ بعضی از مخالفان، او را همانند ابن داب - عیسی بن یزید بن بکر لیشی مدنی (زنده قرن دوم)، یکی از تاریخ‌نگاران شیعه - به جعل اخبار متهم کرده‌اند.^۴ از این رو، بعید نمی‌نماید اختلاف وی با جریان تاریخ‌نگاران هوادار دستگاه خلافت، منشأ چنین اتهامی شده باشد.

۱. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۳، ص ۱۵۸.

۲. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۸۵.

۳. همان.

۴. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۳، ص ۱۵۸.

۳-۲. ابان بن عثمان بجلي (م. ح ۱۸۰ق)

ابان بن عثمان احمر بجلي، از اصحاب امام صادق عليه السلام و امام کاظم عليه السلام را باید یکی پیشتازان عرصه تاریخ‌نگاری امامیه در بصره برشمرد. او اصالتاً اهل کوفه و از موالی قبيله بجيله^۱ بوده^۲ که میان دو شهر بصره و کوفه رفت‌وآمد داشته است.^۳

ابان بن عثمان در عرصه تاریخ‌نگاری، مشهور بوده است؛ به طوری که جاحظ معتزلی (م ۲۵۵ق) با تعبیر «صاحب الأخبار» از او یاد کرده است.^۴ ابان، کتاب تاریخی ارزشمندی به نام *المبدا والمبعث والمعازي والوفاء والسقيفة والردة* داشته است^۵ که در آن به اخبار امام گذشته و تاریخ و سیره نبوی، به ویژه موضوعات چالش برانگیزی چون ماجرای سقیفه و جنگ‌های رده پرداخته بود. این اثر مهم، بعدها مورد استفاده تاریخ‌نگاران بزرگی چون واقدی و یعقوبی قرار گرفت.^۶ بعضی از نویسندگان شیعی نیز به دلیل اینکه بیشتر گزارش‌های تاریخی ابان بن عثمان، مستند به سخنان ائمه عليهم السلام بود، بیش از دیگران به آنها توجه نشان داده‌اند.^۷

با توجه به جایگاه مهم ابان بن عثمان بجلي در حوزه تاریخ‌نگاری بصره، برخی از شخصیت‌های برجسته آن شهر، چون ابو عبیده معمر بن مثنی (م ۲۰۹ق) و محمد بن سلام

۱. بجيله، یکی از قبایل قحطانی تبار است که بیشترشان در عراق ساکن بودند و جمعی از آنان، در جنگ صفین همراه امام عليه السلام بودند. (ر.ک: کحاله، معجم قبائل العرب، ص ۶۳ - ۶۵)
۲. طوسی، فهرست، ص ۵۹.
۳. نجاشی، رجال، ص ۱۳.
۴. جاحظ، البرصان، ص ۱۹۴.
۵. طوسی، فهرست، ص ۵۹.
۶. عقیلی، الضعفاء، ج ۱، ص ۳۸؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶.
۷. صدوق، امالی، ص ۲۳۷، ۴۳۳ و ۴۳۴؛ همو، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۵۰، ۱۵۱ و ۱۶۶؛ همان، ج ۲، ص ۴۷۳ و ۴۷۴؛ همو، معانی الاخبار، ص ۱۱۹؛ طبرسی، اعلام السوری، ج ۱، ص ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۳، ۲۱۲ و ۲۴۶.

جمعی (م ۲۳۲ق) در تاریخ و نسب و اخبار شعراء از او بهره برده‌اند.^۱ با این حال، گزارش‌های بسیاری از ابان بن عثمان در مصادر اهل سنت، به خصوص میراث بصریان موجود نیست که احتمالاً گرایش شیعی ابان بن عثمان در بازتاب اندک آن در منابع مخالفان، تأثیرگذار بوده است.

۳-۳. ابوالولید ضبی بصری (م ۲۲۲ق)

عباس بن ولید بن بکار ضبی بصری، معروف به عباس بن بکار، از جمله مهم‌ترین تاریخ‌نگاران شیعه بصره محسوب می‌شود که اطلاعات چندان زیادی از زندگی او در دست نیست. می‌دانیم که برخی از تاریخ‌نگاران برجسته امامیه، چون محمد بن زکریای غلابی^۲ و محمد بن ابراهیم ثقفی،^۳ از شاگردان وی به شمار می‌روند. عباس بن بکار، اخبار منحصر به فردی درباره اهل بیت علیهم‌السلام گزارش کرده است که از آنها می‌توان به مناظره کلامی امام حسین علیه‌السلام با رهبران خوارج،^۴ پاسخ امیر مؤمنان علیه‌السلام درباره قضا و قدر به مرد عراقی در جنگ صفین،^۵ حدیث فدک و احتجاج حضرت زهرا علیه‌السلام با ابو بکر،^۶ خطبه امام حسن علیه‌السلام در بصره پس از جنگ جمل،^۷ وصیت امام حسن علیه‌السلام به امام حسین علیه‌السلام،^۸ فضایل امیر مؤمنان علیه‌السلام،^۹ فضایل حضرت

۱. حموی، معجم الادباء، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. ابن حبان، المجروحین، ج ۲، ص ۱۹۰.

۳. طوسی، امالی، ص ۸۲ و ۱۰۴.

۴. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۵. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۶. طبری، دلائل الامامة، ص ۱۱۱.

۷. طوسی، امالی، ص ۸۲ و ۸۳.

۸. همان، ص ۱۵۹ - ۱۶۱.

۹. صدوق، امالی، ص ۲۸۴؛ ابن شاذان، مائة منقبة، ص ۱۳۵؛ ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸؛ ابن حجر، لسان

المیزان، ج ۳، ص ۲۳۸.

زهررا علیه السلام،^۱ فضایل امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام^۲ اشاره کرد.^۳ همچنین، از عباس بن بکار گزارش‌هایی از احتجاجات برخی هواداران امیر مؤمنان علیه السلام با معاویه در منابع یافت می‌شود.^۴

باید یادآور شد که رجال‌شناسان اهل سنت به شدت عباس بن بکار را نکوهش و تضعیف کرده‌اند و درباره او گفته‌اند: «کذاب»،^۵ «الغالب علی حدیثه الوهم والمناکیر»،^۶ «لایجوز الاحتجاج به بحال، ولا بکتابه».^۷ ذهبی نیز گفته: از مصیبت‌های عباس بن بکار این است که او به اسنادش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مهدی را از نسل امام حسین علیه السلام دانسته است!^۸ این گونه موضع‌گیری تند و بی‌باکانه از سوی مخالفان شیعه، بی‌ارتباط با رویکرد شیعی عباس بن بکار نبوده است.

۱. صدوق، *امالی*، ص ۲۴۹؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۵، ص ۵؛ ابن حجر، *لسان المیزان*، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. صدوق، *امالی*، ص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ همو، *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۳. ابن بکار، احادیثی را نیز در فضایل اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است که یکی از معروف‌ترین آن احادیث، این سخن پیامبر است که آن حضرت فرموده: «در قیامت، منادی از ورای حجاب ندا سر می‌دهد که ای اهل محشر! چشمانتان را فرو بندید تا فاطمه دختر رسول خدا [از صراط] عبور نماید.» (طبرانی، *المعجم الاوسط*، ج ۳، ص ۳۵) همچنین، نقل حدیث «مکتوب علی العرش: لا إله إلا الله وحدی، محمد عبدی ورسولی، ایدته بعلی.» وی نیز خشم بعضی از مخالفان شیعه را برانگیخته است. (ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۲، ص ۳۸۲)

۴. ابن ابی طیفور، *بلاغات النساء*، ص ۳۰، ۳۳، ۳۶، ۳۹ و ۵۹.

۵. ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۲، ص ۳۸۲.

۶. عقیلی، *الضعفاء*، ج ۳، ص ۳۶۳.

۷. ابن حبان، *المجروحین*، ج ۲، ص ۱۹۰.

۸. ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۲، ص ۲۸۲.

از عباس بن بکار بصری، دو اثر مهم تاریخی به نام *اخبار الوافدين من الرجال من اهل البصرة والكوفة على معاوية* و *كتاب اخبار الوافدات من النساء على معاوية بن ابي سفيان* بر جای مانده است^۱ که اثر اخیر، از طریق احمد بن عبدالله جلین دوری (م ۳۷۹ق)، از عالمان سرشناس امامیه، در بغداد نشر پیدا کرده است.^۲ البته سکینه شهابی، محقق آثار یادشده، احتمال داده است که کتاب *اخبار الوافدات* توسط ابن جلین دوری گردآوری و تدوین یافته باشد؛^۳ ولی همو این کتاب را به نام ابن بکار چاپ کرده است. به هر روی، در این آثار از حمایت‌ها و احتجاجات اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام مانند صعصعة بن صوحان (م. حدود ۷۰ق)، عمرو بن حمق خزاعی (م ۵۰ق)، ابوالطفیل عامر (عمرو) بن وائله کنانی (م ۱۰۰ق یا ۱۰۲ق یا ۱۰۷) و عدی بن حاتم طائی (م ۶۸ق) و همچنین، زنان طرفدار امیر مؤمنان علیه السلام، از امام علی علیه السلام در مقابل معاویه سخن به میان آمده که جذاب و قابل توجه است.^۴

گفتنی است که عباس بن بکار، برخی از آثار اصحاب امامیه را در اختیار داشته و نقل کرده است.^۵ همچنین، او راوی خطبه ابوذر درباره ماجراهای پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز بوده است.^۶

۳-۴. ابوالحسن نوفلی (م. بعد ۲۵۰ق)

علی بن محمد بن سلیمان نوفلی بصری، از جمله تاریخ‌نگاران امامی در بصره به شمار می‌رود^۷ که از اصحاب حضرت امام هادی علیه السلام به شمار می‌رفته^۸ و با آن

۱. زرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۲۵۹؛ بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۳۹ و ۴۰.

۲. ابن بکار، الوافدات، ص ۲۱.

۳. همان، ص ۱۲.

۴. ابن بکار، الوافدین، ص ۲۱-۲۷، ۲۹-۳۱، ۵۱، ۵۲، ۵۵ و ۵۶؛ همو، الوافدات، ص ۴۰-۴۳.

۵. نجاشی، رجال، ص ۱۸۰.

۶. طوسی، فهرست، ص ۹۵.

۷. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۸، ص ۳۹۵؛ همو، مقاتل الطالبیین، ص ۳۴۴.

۸. طوسی، رجال، ص ۳۸۸.

حضرت، ارتباط و مکاتبه داشته است.^۱ مسعودی کتابی به نام *الاخبار* برای وی برشمرده است^۲ که تاریخ‌نگاران پسینی مانند مسعودی، از این اثر مهم تاریخی بهره برده‌اند. با توجه به نقل‌ها و روایات باقیمانده تاریخی از علی بن محمد نوفلی، می‌توان گفت که او در مباحثات تاریخی، بیشتر از پدرش، محمد بن سلیمان (زنده، ح ۲۰۰ق) متأثر بوده است. شخصیت دیگری که نوفلی از آن بهره برده، حماد بن عیسی جهنی بصری (م ۲۰۹ق) از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام می‌باشد.^۳ حماد بن عیسی اصالتاً اهل کوفه بوده که در بصره ساکن شده بود.^۴ نوفلی - ظاهراً در بصره - از طریق جهنی به اخبار تاریخی اصحاب امامیه کوفه که از ائمه علیهم السلام استماع کرده بودند، فرا گرفته است.^۵

باید افزود که ابوالحسن نوفلی و پدرش در راستای گرایش‌های امامی، به نقل هدف‌دار وقایع تاریخی می‌پرداختند. از این رو، ابوالفرج اصفهانی زیدی‌گرا، به مذهب امامی وی و پدرش حمله کرده و گفته که عقیده امامی او، بر گزارش‌هایش سایه انداخته است؛ افزون بر اینکه پدر او اخبار را از افواه مردم گردآوری می‌کرده است.^۶ و در ادامه، آن نقل‌ها را با تعبیر «اراجیف و اباطیل» وصف کرده است.^۷ با این حال، ابوالفرج اصفهانی گزارش‌های قابل توجهی از آنان در آثارش بازنشر داده است.^۸ منقولات تاریخی باقیمانده از ابوالحسن نوفلی بصری، غالباً به موضوعاتی چون زندگی ائمه علیهم السلام و فضایل

۱. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۳۸؛ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۲۴۰؛ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۲،

ص ۳۱۵؛ همان، ج ۳، ص ۳۰۳.

۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۱۵.

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۱۴۲.

۴. برقی، *رجال*، ص ۲۱؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۶۰۵.

۵. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۵۶.

۶. همان، ص ۳۴۴.

۷. همان.

۸. همان، ص ۲۷۸، ۲۹۴، ۳۰۹، ۳۲۴ و ۳۴۴.

اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین، به سرگذشت بعضی از علویان اختصاص دارد.^۱ او شاگردان زیادی را در عرصه تاریخ‌نگاری بصره تربیت کرد؛ از جمله آنها، احمدبن عبیدالله ثقفی (م ۳۱۴ق) و احمدبن عبدالعزیز جوهری (م ۳۲۳ق) می‌باشند^۲ که در ادامه، به آنان پرداخته می‌شود.

۵-۳. محمدبن زکریا غلابی (م ۲۹۸ق)

محمدبن زکریابن دینار غلابی جوهری بصری، معروف به ابن زکرویه،^۳ از جمله نامدارترین تاریخ‌نگاران امامیه در بصره به شمار می‌رود. او اهل بصره و از تبار قبيله بنی غلاب^۴ می‌باشد.^۵ غلابی در میان جامعه امامیه بصره، از جایگاه ممتازی برخوردار بوده است؛ تا جایی که رجال‌شناسان امامی با تعبیر «وجهاً من وجوه اصحابنا بالبصره» از او یاد کرده‌اند.^۶

محمدبن زکریای غلابی را باید یکی از برجسته‌ترین و فعال‌ترین مورخان در حوزه تاریخ‌نگاری بصره برشمرد. در منابع، از او با تعبیری چون: «صاحب حکایات و اخبار»،^۷ «کان اخباریاً واسع العلم»،^۸ نجاشی: «کان احد اصحاب السیر والاحداث والمغازی و غیر

۱. برای نمونه، رک: صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۷۰، ۷۳، ۷۷ و ۸۲؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۲۷۸، ۲۹۴، ۳۰۹، ۳۲۴ و ۳۴۴؛ طوسی، *امالی*، ص ۳۲۶ و ۴۶۳؛ نسائی، *خصائص امیرالمومنین*، ص ۷۳ و ۷۴.

۲. جوهری، *السقیفة و فدک*، ص ۷۰ و ۷۱؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۱۱۲ و ۱۱۲.

۳. سمعانی، *الانساب*، ج ۴، ص ۳۲۱.

۴. بنی غلاب، قبيله عدناتی تبار و تیره‌ای از قبيله بزرگ هوازن می‌باشند که در بصره ساکن بودند. (کحاله، *معجم قبائل العرب*، ج ۳، ص ۸۹۱)

۵. نجاشی، *رجال*، ص ۳۴۶.

۶. همان.

۷. ابن حبان، *النقات*، ج ۹، ص ۱۵۴.

۸. نجاشی، *رجال*، ص ۳۴۶.

ذلک من علوم الأدب»^۱ «کان راویة للاخبار علامة»^۲ یاد شده است. همچنین، گزارش‌های تاریخی فراوانی از او در منابع شیعه و سنی یافت می‌شود. گفتنی است که غلابی هیچ‌گاه گرایش‌های شیعی خویش را پنهان نمی‌کرد و در راستای اهداف مذهبی خود، به نقل وقایع تاریخی می‌پرداخت. گمان می‌رود که به همین جهت، مخالفان از او با تعبیر «غالیاً فی التشیع» نام برده‌اند.^۳ غلابی اخباری درباره فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، به خصوص امام علی علیه‌السلام^۴ و همچنین، در تنقیص خلفا و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام^۵ در عرصه تاریخ‌نگاری بصره انتشار داده بود که مخالفان آن اخبار را برنناخته^۶ و با عنوان «مناکیر» از آنها یاد کرده‌اند.^۷ از همین رو، او را به وضع حدیث متهم کرده و تضعیف نموده‌اند.^۸ در مقابل، نویسندگان شیعی وی را به عنوان فردی مورد اعتماد و راستگو شناسانده‌اند.^۹ باید یادآور شد که محمد زکریای غلابی، از آثار تاریخی اصحاب سلف شیعه بی‌اطلاع نبوده است. گفته شده کتاب‌های: *الجمل*، *صفین*، *النهران*، *مقتل*

۱. ابن ساعی، *الدر الثمین*، ص ۲۱۵ و ۲۱۶.

۲. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۲۱، ص ۲۵۹.

۳. ابن جوزی، *الموضوعات*، ج ۳، ص ۲۷۸.

۴. برای نمونه، رک: صدوق، *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۷۸ و ۲۰۹؛ همو، *معانی الاخبار*، ص

۵۵ و ۶۴؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۲، ص ۱۱؛ ابن طبریق، *عمدة عیون صحاح الاخبار*، ص

۳۵۹ و ۳۶۹؛ طبرانی، *المعجم الکبیر*، ج ۳، ص ۴۴؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، ج ۴۲، ص ۴۹ و ۵۰؛

ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۳، ص ۵۵۰.

۵. ابن جوزی، *الموضوعات*، ج ۳، ص ۲۷۸.

۶. همان، ج ۱، ص ۳۷۹، ۳۸۰، ۴۲۱ و ۴۲۲؛ همان، ج ۲، ص ۴۴ و ۴۵.

۷. ابن حبان، *التقات*، ج ۹، ص ۱۵۴.

۸. ابن قطلوبغا، *التقات*، ج ۸، ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

۹. ابن ندیم، *فهرست*، ص ۱۲۱.

امیر المؤمنین علیه السلام و مقتل الحسین علیه السلام، تألیف جابر بن یزید جعفی از اصحاب صادقین علیهما السلام و همچنین، نگاشته‌های تاریخی پُرشماری از ابومخنف لوطین یحیی ازدی، تاریخ‌نگاری مشهور شیعه را در اختیار داشته است.^۱

افزون بر روایات تاریخی و نقل فضایل، فهرست‌نگاران آثاری برای او بر شمرده‌اند که اغلب آنها در مورد رویدادهای تاریخی بسترساز مجادلات کلامی و اعتقادی، و همچنین، درباره تاریخ زندگی اهل بیت علیهم السلام می‌باشند و آن آثار عبارت‌اند از:

۱. کتاب الجمل الكبير؛ ۲. کتاب الجمل الصغير؛ ۳. کتاب صفین الكبير؛ ۴. کتاب صفین المختصر؛ ۵. کتاب مقتل امیر المؤمنین علیه السلام؛ ۶. کتاب مقتل الحسین علیه السلام؛ ۷. کتاب اخبار زید؛ ۸. کتاب اخبار فاطمة علیها السلام ومنشأها ومولدها؛ ۹. کتاب التوابین وعین الورد؛ ۱۰. کتاب الحرّة؛ ۱۱. کتاب الحکمین والجمل والناهضین إلی وقعتہ؛ ۱۲. کتاب اخبار زید.^۵

عناوین این آثار، همگی از رویکرد کلامی غلابی شیعی مذهب حکایت دارد؛ به‌ویژه آنکه او در بصره، خاستگاه عثمانی‌گرایان و معتزلیان، پنج کتاب درباره حوادث جمل و صفین نگاشته است؛ وقایعی که عامل بسیاری از چالش‌های کلامی به شمار می‌رفته است.

۳-۶. عبدالعزیز جلودی (م ۳۳۲ق)

ابو احمد عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی ازدی جلودی بصری، یکی از شاخص‌ترین چهره‌های جریان تاریخ‌نگاران امامیه بصره محسوب می‌شود. ظاهراً دودمان او شیعه بوده‌اند و نیای ارشدش، عیسی جلودی، از جمله اصحاب امام جواد علیه السلام به شمار می‌رفته

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۲۹ و ۳۲۰.

۲. همان، ص ۳۴۷.

۳. ابن ندیم، فهرست، ص ۱۲۱.

۴. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۵۲.

۵. ابن حجر، الاصابه، ج ۵، ص ۹۱.

است.^۱ رجال شناسان به امامی مذهب بودن وی تصریح کرده‌اند.^۲ افزون بر این، او در میان امامیه، به خصوص امامیان بصره، از موقعیت ممتازی برخوردار بوده است؛ تا جایی که ابن ندیم (م ۳۸۰ق) از وی با عنوان «من اکابر الشيعة الامامية» نام برده^۳ و نجاشی نیز با تعبیر «شیخ البصرة و اخباریها» از او یاد کرده است.^۴

جلودی در عرصه تاریخ‌نگاری بصره، بسیار فعال بوده است و در منابع از وی با تعابیری چون «اخباری، صاحب سیر و روایات» سخن به میان آمده است.^۵ او مباحث تاریخی را از مورخان بنام بصره فرا گرفت که محمدبن زکریا غلابی بصری، از مهم‌ترین آنهاست. از جلودی اخبار قابل توجهی در موضوعات تاریخی - کلامی و فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) در منابع شیعه و سنی یافت می‌شود.^۶ با بررسی بسیاری از منقولات جلودی، به خوبی درمی‌یابیم که این مورخ برجسته امامیه، با رویکرد اعتقادی به مباحث تاریخی می‌نگریسته است. شاید از این‌روست که گزارش تاریخی‌های وی مورد اقبال زیاد نویسندگان مخالف شیعه قرار نگرفته است. البته منقولات صرف تاریخی از جلودی، کم‌وبیش در منابع عامه نیز راه یافته است.^۷

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۴۰.

۲. طوسی، فهرست، ص ۱۹۱.

۳. ابن ندیم، فهرست، ص ۲۴۶.

۴. نجاشی، رجال، ص ۲۴۰.

۵. ابن ندیم، فهرست، ص ۱۲۸.

۶. برای نمونه، رک: صدوق، امالی، ص ۳۲۹، ۳۴۵، ۵۵۸، ۷۲۹ و ۷۳۰؛ همو، الخصال، ص ۵۸۱ و ۵۹۲؛ همو، التوحید، ص ۸۰؛ همو، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۷۰ و ۱۸۱؛ همو، معانی الاخبار، ص ۳۰۹ و ۳۶۰؛ همو، کمال‌الدین، ص ۷۷، ۱۵۹ و ۵۲۵؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۹، ۵۰ و ۲۳۶.

۷. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۵۲؛ همان، ج ۱۰، ص ۲۰۶؛ سلفی، معجم السفر، ص ۲۵۲؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۵، ص ۳۸۱؛ همان، ج ۶۹، ص ۲۹۰؛ همان، ج ۷۰، ص ۲۶۹.

عبدالعزیز جلودی، کتاب‌ها و رساله‌های فراوانی را در موضوعات تاریخی و غیره تألیف کرده بود^۱ که تعداد آنها به بیش از دویست عنوان می‌رسد. با توجه به گزارش‌های فهرست‌نگاران، می‌توان ادعا کرد که او در میان نویسندگان امامیه - تا نیمه سده چهارم - بیشترین تألیف را داشته است که اغلب آنها در مباحث تاریخی بوده است. باید افزود که شمار قابل توجهی از حجم انبوه آثار جلودی را کتاب‌های تاریخی - کلامی تشکیل می‌دهند و این موضوع، از عناوین نگاشته‌های وی به‌خوبی مشهود است. اکنون به معرفی بعضی از آثار تاریخی او که مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام بوده و همچنین، در موضوع دانش کلام و منازعات کلامی نیز کاربرد داشته است، می‌پردازیم:

۱. کتاب الجمل؛ ۲. کتاب صفین؛ ۳. کتاب الحکمین؛ ۴. کتاب الخوارج؛ ۵. کتاب حروب علی علیه‌السلام؛ ۶. کتاب ما نزل فی الخمسة علیهم‌السلام؛ ۷. کتاب ذکر علی علیه‌السلام فی حروب النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ ۸. کتاب محب علی علیه‌السلام ومن ذکره بخیر؛ ۹. کتاب من احب علیا علیه‌السلام وابغضه؛ ۱۰. کتاب من سبه من الخلفاء؛ ۱۱. کتاب الکنایه عن سب علی علیه‌السلام؛ ۱۲. کتاب خلافته (علی بن ابی طالب) علیه‌السلام؛ ۱۳. کتاب قوله (علی بن ابی طالب) علیه‌السلام فی الشوری؛ ۱۴. کتاب ما کان بین علی علیه‌السلام وعثمان من الکلام؛ ۱۵. کتاب مال الشیعة بعد علی علیه‌السلام؛ ۱۶. کتاب ذکر الشیعة ومن ذکرهم هو او من احب من الصحابة؛ ۱۷. کتاب ذکر خدیجة وفضل اهل البیت علیهم‌السلام؛ ۱۸. کتاب ذکر فاطمة علیها‌السلام ابابکر؛ ۱۹. کتاب ذکر الحسن و الحسین علیهم‌السلام؛ ۲۰. کتاب فی امر الحسن علیه‌السلام؛ ۲۱. کتاب ذکر الحسین علیه‌السلام؛ ۲۲. کتاب مقتل الحسین علیه‌السلام؛ ۲۳. کتاب اخبار علی بن الحسین علیه‌السلام؛ ۲۴. کتاب اخبار ابی جعفر محمد بن علی علیه‌السلام؛ ۲۵. کتاب اخبار المهدي علیه‌السلام؛ ۲۶. کتاب اخبار جعفر بن محمد علیه‌السلام؛ ۲۷. کتاب اخبار موسی بن جعفر علیه‌السلام؛ ۲۸. کتاب اخبار ابی بکر و عمر؛ ۲۹. کتاب مقتل محمد بن ابی بکر؛ ۳۰. کتاب مناظرات علی بن موسی الرضا علیه‌السلام.

۱. طوسی، فهرست، ص ۱۹۱.

۲. نجاشی، رجال، ص ۲۴۰ - ۲۴۴.

افزون بر این کتاب‌های یادشده، فهرست‌نگاران یک کتاب به نام «کتاب المتعة وما جاء فی تحلیلها» نیز برای جلودی برشمرده‌اند.^۱ این کتاب، هرچند عنوان فقهی دارد، ولی با توجه به تاریخ‌نگاربودن جلودی گمان می‌رود اثر یادشده با رویکرد تاریخی نوشته شده است؛ چراکه موضوع متعه، یکی از مسائل چالش‌برانگیز میان شیعه و سنی همواره مطرح بوده است و احتمالاً جلودی با کمک گزارش‌های تاریخی، این موضوع را بررسی کرده است.

۳-۷. ابوبشر عمی بصری (م. بعد ۳۵۰ق)

ابوبشر احمدبن ابراهیم بن معلی بن اسد عمی، از مورخان و راویان اخبار امامیه در بصره بوده است. او از تبار خاندان آل عم - تیره‌ای از بنی تیمم - می‌باشد که سکونتگاه اصلی آنها، در اهواز و فارس بوده است؛ ولی بخشی از این دوده، مانند: ابراهیم بن معلی و اسدبن معلی عمی، پدر و عموی ابوبشر، در بصره اقامت داشتند.^۲

ابوبشر، یکی از مورخان نامدار امامیه در بصره به شمار می‌رود. عموی وی، اسدبن معلی نیز از تاریخ‌نگاران امامی در بصره بوده است.^۳ ابوبشر در نزد تاریخ‌نگاران برجسته امامیه در بصره، از جمله محمدبن دینار غلابی (م ۲۹۸ق)^۴ و عبدالعزیز بن یحیی جلودی (م ۳۳۲ق)، دانش‌آموزی کرده و راوی آثار تاریخی برخی از اصحاب امامیه نیز بوده است.^۵ ارتباط نزدیک ابوبشر عمی با عبدالعزیز جلودی بصری، تا بدانجا بود که از وی با عنوان «مستملی»^۶ جلودی یاد کرده‌اند.^۷ همچنین، او منتقل‌کننده اصلی آثار و

۱. طوسی، فهرست، ص ۱۹۱.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۰۶.

۴. همان؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۱۶۴.

۵. نجاشی، رجال، ص ۱۲۹.

۶. به معنای درخواست‌کننده املاء.

۷. ابن ندیم، فهرست، ص ۲۴۷؛ طوسی، رجال، ص ۴۱۶؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۳۴.

میراث تاریخی و روایی جلودی، به نسل‌های پسینی نیز محسوب می‌شود. رجال‌شناسان امامیه ابوبشر را «واسع الروایه»^۱ و «موثق در حدیث» معرفی کرده‌اند؛^۲ اما روایات اندکی از او در مصادر امامیه یافت می‌شود و تنها شیخ صدوق و شیخ مفید چند روایت از وی در موضوع تاریخ و فضایل از طریق شاگردان بصری‌اش نقل کرده‌اند.^۳ فخاربن معد (م ۳۰۳ق) نیز به نقل از ابوالفرج اصفهانی، گزارشی از او درباره حضرت ابو طالب ع انتشار داده است.^۴ علاوه بر این، گفته شده که ابوبشر اخبار فراوانی از تاریخ‌نگاران اهل سنت در اختیار داشته است؛^۵ با این حال، در منابع عامه از منقولات وی خبری نیست.

باید یادآور شد که تاریخ‌نویسانی چون ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶ق)، محمدبن وهبان دُبیلی (زنده ۳۶۰ق)^۶ - تاریخ‌نگار امامیه - و همچنین، حسین بن حصین عمی و ابوطالب انباری، از ابو بشر روایت فراگرفته‌اند.^۷

با توجه به منقولات باقیمانده و عناوین آثار ابوبشر عمی، احتمال می‌رود او نیز در جریان تاریخ‌نگاری امامیه همچون مشایخش محمدبن زکریای غلابی و عبدالعزیز جلودی، رویکردی تاریخی کلامی داشته است. ابوبشر کتاب‌هایی را در حوزه تاریخ و فضایل تألیف کرده بود و فهرست‌نگاران امامی نیز با تعبیر «حَسَن التَّصْنِيف» از او نام برده‌اند.^۸ در این

۱. طوسی، رجال، ص ۴۱۱.

۲. نجاشی، رجال، ص ۹۶؛ طوسی، رجال، ص ۴۱۶.

۳. صدوق، التوحید، ص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ مفید، امالی، ص ۹۰ و ۹۱.

۴. ابن معد، ایمان ابی طالب، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۵. نجاشی، رجال، ص ۹۶.

۶. همان؛ ابن معد، ایمان ابی طالب، ص ۱۳۶.

۷. نجاشی، رجال، ص ۱۸۰، ۱۲۹ و ۳۲۵؛ طوسی، فهرست، ص ۷۶.

۸. طوسی، فهرست، ص ۷۶؛ نجاشی، رجال، ص ۹۶.

مجال، به بعضی از کتاب‌های تاریخی وی که در مباحثات کلامی کاربرد داشته‌اند، اشاره می‌کنیم:

۱. کتاب *التاریخ الکبیر*؛ ۲. کتاب *التاریخ الصغیر*؛^۱ ۳. کتاب *الابواب الدامغة*. نسخه‌ای از این اثر را سیدبن طاوس (م ۶۶۴ق) در اختیار داشته و گزارشی از تاریخ رسول خدا ﷺ از آن نقل کرده است؛^۲ ۴. کتاب *مناقب امیرالمؤمنین علی*؛^۳ ۵. کتاب *محسن الأنبياء والأوصياء والأولياء*؛^۴ ۶. کتاب *الفرق*. نویسندگان امامیه، این اثر را با تعبیر «حسن غریب» وصف کرده‌اند.^۵

۸-۳. ابن وهبان دُبیلی بصری (زنده ۳۶۰ق)

ابوعبدالله محمدبن وهبان بن محمد هنائی بصری، معروف به دُبیلی^۶ را باید یکی از آخرین مورخان جریان تاریخ‌نگاری امامیه در بصره برشمرد. او از تبار قبیله بزرگ ازد و در شهر بصره ساکن بوده^۷ و ظاهراً در نیمه سده چهارم هجری در آن شهر می‌زیسته است. ابوعبدالله دُبیلی، در زمره محدثان و تاریخ‌نگاران برجسته و موثق امامیه قرار دارد^۸ که در بصره نزد تاریخ‌نگاران امامی مانند محمدبن زکریای غلابی و ابوبشر احمدبن ابراهیم عمی، شاگردی کرده است.^۹ علاوه بر این، او مسافرت‌هایی به بغداد و واسط نیز داشته و در آن شهرها از اصحاب امامیه روایاتی را فرا گرفته است.^{۱۰}

۱. نجاشی، رجال، ص ۹۶.

۲. ابن طاووس، الامان، ص ۹۶.

۳. طوسی، فهرست، ص ۷۶؛ نجاشی، رجال، ص ۹۶.

۴. ابن ندیم، فهرست، ص ۲۴۷.

۵. طوسی، فهرست، ص ۷۶؛ نجاشی، رجال، ص ۹۶.

۶. طوسی، رجال، ص ۴۴۴.

۷. نجاشی، رجال، ص ۳۹۶.

۸. همان.

۹. طوسی، امالی، ص ۶۵۷؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص

۱۰۴ و ۱۹۱.

۱۰. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۳ و ۳۴؛ ابن نجار، ذیل تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۱.

از ابوعبدالله دبیلی روایاتی در موضوعات: امامت، فضایل، سیره و تاریخ، در مصادر روایی یافت می‌شود.^۱ با توجه به محتوای منقولات وی، می‌توان به رویکرد تاریخی - کلامی وی پی برد. افزون بر این، دبیلی کتاب‌هایی با موضوع تاریخ تألیف کرده بود که عناوین آنها، بیشتر از دیدگاه تاریخی - کلامی او پرده برمی‌دارند؛ آن آثار عبارت‌اند از: ۱. کتاب اخبار الصادق علیه السلام مع المنصور؛ ۲. کتاب اخباره (امام صادق) مع ابی حنیفه؛ ۳. کتاب الأذان حی علی خیر العمل. گفتن واژه «خیر العمل» در اذان صبح، یکی از موارد چالش‌برانگیز میان شیعه و عامه به شمار می‌رفته است؛ ۴. کتاب اخبار الرضا علیه السلام؛ ۵. کتاب اخبار ابی جعفر الثانی علیه السلام؛ ۶. ظاهراً او کتابی در معجزات پیامبر به نام معجزات النبوة داشته است که از این اثر، مطالبی در منابع کلامی امامیه نقل شده است.^۳

افرادی که از آنان سخن گفتیم، از جمله مشهورترین تاریخ‌نگاران امامی بصره به شمار می‌روند. ناگفته نماند برخی از تاریخ‌نگاران امامیه که در بصره نزد مورخان امامی آن دیار تعلیم دیده بودند، به مرکز علمی بغداد آمده و در آنجا منقولات تاریخی اصحاب امامی بصره را منتشر ساختند؛ از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- احمد بن عبیدالله بن محمد بن عمار ثقفی کاتب (م. ۳۱۰ ق یا ۳۱۴ ق یا ۳۱۹ ق) از شاگردان ابوالحسن نوفلی و نویسنده آثاری چون: الرسالة فی تفضیل بنی هاشم و موالیهم و ذم بنی امیه و اتباعهم،^۴ کتاب المبیضة در مقاتل الطالبیین، کتاب الرسالة فی بنی امیه، کتاب اخبار حجرین عدی، کتاب الرسالة فی مثالب معاویه،^۵ کتاب صفین و کتاب الجمل؛^۶

۱. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۶۱، ۶۲، ۸۶، ۱۰۶، ۱۳۶، ۲۲۶ و ۲۳۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹ و ۱۰؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۳ و ۳۴؛ ابن‌شاذان، مائتة منقبة، ص ۳۶، ۷۷ و ۷۸؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.
 ۲. نجاشی، رجال، ص ۳۹۶ و ۳۹۷.
 ۳. ابن جبر، نهج الایمان، ص ۶۴۰.
 ۴. ابن‌ندیم، فهرست، ص ۱۶۶؛ حموی، معجم‌الاباء، ج ۳، ص ۲۴۰.
 ۵. حموی، معجم‌الاباء، ج ۳، ص ۲۴۰.
 ۶. همان، ص ۲۴۲.

- احمدبن محمدبن جعفر صولی بصری، از شاگردان محمدبن زکریای غلابی و عبدالعزیزبن یحیی جلودی، نویسنده کتاب اخبار فاطمة عليها السلام:^۱
- و احمدبن محمدبن سهل، معروف به ابی غریب ضبی، شاگرد غلابی.^۲

۴. تأثیر پذیری مورخان اهل سنت از تاریخ نگاران امامی بصره

حضور پُررنگ و فعال جریان تاریخ نگاری امامیه در بصره، موجب گردید تا مورخان عامه به تعامل با تاریخ نگاران شیعی تن در دهند و حتی در برخی از موارد نیز تحت تأثیر رویکردهای تاریخی - کلامی آنان قرار بگیرند. از همین رو، مورخان مشهور اهل سنت، چه بی واسطه و چه با واسطه، از گزارش های تاریخی تاریخ نگاران امامی، در آثارشان بهره برده اند؛ به عنوان نمونه، می توان به افرادی چون: محمدبن حیب بغدادی (م ۲۴۵ق)، احمدبن یحیی بلاذری (م ۲۷۹ق) و محمدبن جریر بن یزید طبری (م ۳۱۰ق) اشاره کرد که در کتاب هایشان منقولات تاریخی ابوالحسن نوفلی، تاریخ نگار نامدار امامیه را انعکاس داده اند.^۳

در سایه این تعاملات و وام گیری میان مورخان سنی و جریان تاریخ نگاری امامیه در بصره، برخی از تاریخ نگاران اهل سنت تحت تأثیر رویکرد تاریخی - کلامی تاریخ نگاران امامی بصره قرار گرفته بودند. از این رو، مشاهده می شود گزارش های مورد تأیید دیدگاه عقیدتی شیعیان را که معمولاً نویسندگان سنی مذهب به نقل آنها تمایل نداشته اند و یا عمداً در صدد کتمان آن بودند، این گروه متأثر از جریان تاریخ نگاری امامیه، از نقل آن اخبار ابایی نداشته و بدون هیچ محذوریت مذهبی، به انتشار آن مبادرت می ورزیدند. نمونه

۱. طوسی، فهرست، ص ۷۸.

۲. طوسی، رجال، ص ۴۱۰.

۳. ابن حیب بغدادی، المنطق، ص ۳۵۳ - ۳۵۶؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۱۹۷؛ همان، ج ۴، ص ۲۴ و ۵۶؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۶۹، ۲۸۰ و ۳۰۸.

بارز این افراد، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری بصری (م ۳۲۳ق) می‌باشد که در منابع، به سنی‌مذهب بودن وی تصریح شده است.^۱ او در بصره از اصحاب تاریخ‌نگار امامیه چون ابوالحسن نوفلی و محمد بن زکریای غلابی، اخباری را فرا گرفته بود. با نگاهی به آثار و گزارش‌های منحصربه‌فرد تاریخی ابوبکر جوهری، به‌خوبی می‌توان دریافت که او تحت تأثیر جریان تاریخ‌نگاری امامیه در بصره قرار داشته است. کتاب *مهم السقیفه وفدک*^۲ وی، روشن‌ترین گواه بر این ادعاست. این اثر ارزشمند که از آن با عنوان *السقیفه*^۳ و *یا/خبار السقیفه* نیز یاد کرده‌اند،^۴ در دسترس ابن‌ابی‌الحدید معتزلی (م ۵۶۶ق) و علی بن عیسی اربلی (م ۹۳ق) بوده است و آن دو در آثارشان از این کتاب استفاده نموده‌اند.^۵ ابوبکر جوهری با توجه به تأثیرپذیری‌اش از مورخان امامی بصره، در کتابش اخبار یگانه‌ای را درباره ماجراهای پس از رحلت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انعکاس داده است که بخش قابل توجهی از این گزارش‌ها را هیچ‌گاه نمی‌توان در منابع اهل سنت یافت. او در این اثر، منقولات تاریخ‌دانان امامی بصره چون ابوالحسن نوفلی و محمد بن زکریا را نیز بازتاب داده است.^۶ همچنین، در طریق بعضی از گزارش‌های تاریخی این کتاب، برخی از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و علویان قرار دارند.^۷ افزون بر کتاب *السقیفه وفدک*، از جوهری روایاتی نیز در فضیلت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در منابع امامیه یافت می‌شود.^۸

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۴.

۲. همان، ص ۲۱۰.

۳. طوسی، فهرست، ص ۸۳.

۴. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳ و ۲۱.

۵. همان؛ همان، ج ۱۶، ص ۲۳۴ و ۲۱۰؛ اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۰۸.

۶. جوهری، السقیفه وفدک، ص ۷۰، ۷۱، ۱۰۰، ۱۰۳ - ۱۰۶، ۱۲۰ و ۱۳۰.

۷. همان، ص ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۷۴ و ۱۰۰.

۸. طوسی، امالی، ص ۵۰۳ و ۵۹۴.

گمان می‌رود که عمر بن شبه نمیری بصری (م ۲۶۲ق)، تاریخ‌نگار صاحب‌نام اهل سنت، از مشایخ ابوبکر جوهری نیز تا حدودی از جریان تاریخ‌نگاری امامی در بصره متأثر بوده است. می‌دانیم که وی در بصره با اصحاب امامیه چون علی بن اسماعیل میثمی^۱ و ابوالحسن علی بن محمد نوفلی، تاریخ‌نگار امامیه، مرتبط بوده و از نوفلی نیز چیزهای فرا گرفته است.^۲ از سوی دیگر، گزارش‌های تقریباً منحصر به فردی درباره رویدادهای پس از رحلت پیامبر ﷺ و اقدامات عمر در کتاب *تاریخ المدينة المنورة*^۳ و غیر آن به دست داده است^۴ که تاریخ‌نگاران اهل سنت به دلیل عواقب کلامی‌اش، به ندرت از آن اخبار سخن به میان آورده‌اند. افزون بر این، ابن شبه نمیری کتابی به نام *السقیفة* داشته است که به غیر از او و شاگردش ابوبکر جوهری، از سوی نویسندگان عامه کتابی با چنین عنوانی سراغ نداریم و معمولاً نویسندگان شیعی، آثاری با این عنوان تألیف می‌کرده‌اند. احتمال می‌رود ابوبکر جوهری در تألیف کتاب *السقیفة وفدک* از کتاب *السقیفة* ابن شبه نمیری بهره برده است؛ چراکه او در کتاب یادشده، منقولات ابن شبه را فراوان بازتاب داده است.^۵

۱. تنوخی، *الفرج بعد الشدة*، ج ۳، ص ۱۵۰.

۲. ابن حجر، *الاصابة*، ج ۸، ص ۲۵.

۳. او از تحریم متعه حج و متعه نساء توسط عمر برخلاف سیره رسول خدا(ص) و نیز بدعت نماز تراویح سخن به میان آورده است. (ابن شبه، *تاریخ مدینة المنورة*، ج ۲، ص ۷۱۳، ۷۱۴ و ۷۲۰) همچنین، نقل کرده که برای اولین بار اهل کتاب عمر را فاروق خوانده‌اند. (ابن شبه، *تاریخ مدینة المنورة*، ج ۲، ص ۶۶۲) و عمرو عاص برای نخستین بار عمر را امیرالمؤمنین خطاب کرده است. (ابن شبه، *تاریخ مدینة المنورة*، ج ۲، ص ۶۷۹ و ۶۸۰)

۴. ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، ج ۴۲، ص ۳۴۹.

۵. ابن ناصرالدین، *توضیح المشتبه*، ج ۵، ص ۲۸۹.

۶. جوهری، *السقیفة وفدک*، ص ۳۹، ۴۵، ۴۶، ۵۲-۵۴، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۲، ۷۵-۷۷، ۹۲، ۹۴، ۹۹، ۱۰۷-۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۷-۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴ و ۱۲۷.

شخصیت دیگری از تاریخ‌نگاران اهل سنت که می‌توان او را در زمره متأثران از جریان تاریخ‌نگاری امامیه در بصره قلمداد کرد، ابوبکر محمدبن یحیی صولی بغدادی (م ۳۳۵ق) است.^۱ وی از بغداد به بصره رفته و در آنجا نزد محمدبن زکریای غلابی بصری تلمذ و استماع کرده است^۲ و در بغداد نیز از احمدبن عبیدالله بن عمار ثقفی، از پرورش‌یافتگان مکتب تاریخ‌نگاری امامیه در بصره، تاریخ آموخته است.^۳ از ابوبکر صولی روایاتی درباره زندگانی ائمه علیهم‌السلام و نیز احادیثی از امام رضا علیه‌السلام در منابع روایی امامیه یافت می‌شود.^۴ همچنین، گفته شده صولی خبری را در حق امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام در بغداد روایت کرد که عوام و خواص (اهل سنت) آن شهر، قصد قتل او را کردند که از این رو، وی به سوی بصره متواری شد و سرانجام نیز مخفیانه در آنجا درگذشت.^۵

نتیجه

پیدایش مکتب تاریخ‌نگاری بصره، تقریباً به سده اول هجری بازمی‌گردد؛ اما در سده دوم و سوم، دانش تاریخ‌نگاری در عرصه‌های مختلفی در بصره رشد فزاینده‌ای داشته است. به نظر می‌رسد که درگیری‌های فکری و کلامی در سده‌های دوم و سوم در بصره، موجب گسترش مباحثات تاریخی و تاریخ‌نگاری در این عصر شده است. رویدادهای تاریخی چون ماجرای جان‌شینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و درگیری‌های صحابه نیز بسترساز پاره‌ای از موضوعات بحث‌برانگیز کلامی گروه‌های فکری بوده است. از این رو، هریک از این گروه‌ها، در راستای

۱. برای شناخت وی، ر.ک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۹۸ - ۲۰۱.

۲. همان، ص ۱۹۸.

۳. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۰، ۷۳ و ۸۲.

۴. صدوق، امالی، ص ۷۵۸؛ همو، التوحید، ص ۴۰۶؛ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۴، ۲۵، ۷۰، ۷۳ و

۸۲؛ همان، ج ۲، ص ۹۳، ۹۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷ و ۱۳۸.

۵. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۲۶۰.

دیدگاه کلامی خویش، حوادث تاریخی را بازخوانی کرده و انعکاس می‌دادند. از همین روست که بصریان در خصوص منازعات صدر اسلام، آثار قابل توجهی را از خود بر جای گذاشته‌اند. شیعیان که اساساً در عرصه تاریخ‌نگاری همیشه پیشگام بوده‌اند، به‌ویژه آنکه از سوی ائمه اهل بیت علیهم‌السلام نیز در این زمینه همواره ترغیب می‌شدند، از اواخر سده دوم هجری در بصره به عنوان مرکز مهم تاریخ‌نگاری اسلامی، فعالیت‌های تاریخی خود را پی گرفتند؛ چه آنکه مباحثات تاریخی، نقش بسزایی در مجادلات کلامی و عقیدتی میان مذهبی داشته است. بنابراین، آنان در موضوعات مختلف چالش‌برانگیز تاریخی مانند جانشینی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جنگ جمل که در گفت‌وگوهای کلامی کاربرد داشته است، آثار مهم و قابل توجهی را تألیف کردند.

در فاصله اواخر سده دوم هجری تا اوایل سده چهارم هجری، تاریخ‌نگاران برجسته و سرشناسی چون: ابان بن عثمان بجلي، ابوالحسن نوفلی، محمدبن زکریای غلابی و عبدالعزیز بن یحیی جلودی در بصره فعال بودند که نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری اینان در مکتب تاریخ‌نگاری بصره، انکارناپذیر است؛ تا جایی که برخی از مورخان سنی بصره، در پاره‌ای از مباحثات تاریخی، تحت تأثیر تاریخ‌نگاران شیعه بصری قرار داشته‌اند که ابوبکر جوهری نویسنده کتاب *السقیفة وفدک* یکی از آنهاست.

منابع

١. ابن ابی الحدید، عزالدین بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا: دار احیاء الکتب العربیه، ١٣٧٨ ق.
٢. ابن ابی طیفور، ابی الفضل بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم: مکتبه بصیرتی، [بی تا].
٣. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دارالکتب العربی، [بی تا].
٤. ابن بطریق، یحیی بن حسن اسدی، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٠٧ ق.
٥. ابن بکار ضبی، عباس بن ولید بن بکار، الوافدين من الرجال من اهل البصرة والكوفة علی معاویة، تحقیق: سکینه الشهابی، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤٠٣ ق.
٦. —، الوافدات من النساء علی معاویة بن ابی سفیان، تحقیق: سکینه الشهابی، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤٠٣ ق.
٧. ابن جبر، علی بن یوسف، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسینی، مشهد: مجتمع امام هادی علیه السلام، ١٤١٨ ق.
٨. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، تحقیق: عبدالرحمن عثمان، مدینه المنوره: مکتبه السلفیه، ١٣٨٦ ق.
٩. ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، حیدرآباد دکن: مؤسسه الکتب الثقافه، ١٣٩٣ ق.
١٠. —، المجروحین من المحدثین، تحقیق: محمود زاید، مکة: دار الباز، [بی تا].
١١. ابن حبیب بغدادی، محمد بن حبیب، المنمق، تحقیق: خورشید فاروق، [بی جا]: [بی تا].
١٢. ابن حجر، احمد بن علی، الاصابه، تحقیق: عادل عبدال موجود، بیروت: دار الکتب العلمیه، ١٤١٥ ق.
١٣. —، تقریب التهذیب، تحقیق: مصطفی عطا، بیروت: دار المکتبه العلمیه، ١٤١٥ ق.
١٤. —، لسان المیزان، بیروت: مؤسسه الاعلمی، دوم، ١٣٩٠ ق.
١٥. —، نزهة الباب فی القاب، تحقیق: عبدالعزیز سدید، ریاض: مکتبه الرشد، ١٤٠٩ ق.
١٦. ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار الثقافه، [بی تا].

۱۷. ابن زولاق، حسن بن ابراهيم، فضائل مصر، تحقيق: على عمر، قاهرة: مكتبة الخانجي، ۱۴۲۰ق.
۱۸. ابن ساعي، على بن انجب، الدر الثمين، تحقيق: احمد شوقي، تونس: دار الغرب الاسلامي، ۲۰۰۹م.
۱۹. ابن شاذان قمي، محمد بن احمد، مائة منقبة، تحقيق: سيد محمد باقر ابطحي، قم: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۷ق.
۲۰. ابن شبه نميري، عمر بن شبه، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق: فهيم شلتوت، قم: دار الفكر، ۱۴۱۰ق.
۲۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، معالم العلماء، تحقيق: سيد محمد صادق بحر العلوم، بيروت: دار الاضواء، [بي تا].
۲۲. —، مناقب آل ابي طالب، تحقيق: لجنة من الاساتذ، نجف: مطبعة الحيدرية، ۱۳۷۶ق.
۲۳. ابن طاوس، على بن موسى، الامان من اخطار الاسفار والازمان، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۴. —، جمال الاسبوع، تحقيق: جواد فيومي، بي جا: مؤسسة آفاق، ۱۳۷۱ش.
۲۵. ابن عساكر، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيري، بيروت، دار الفكر، ۱۴۲۵ق.
۲۶. ابن قطلوبغا، قاسم بن قطلوبغا، النقات ممن لم يقع في الكتب والسنة، تحقيق: شادي آل نعمان، صنعاء: دار ابن عباس، ۱۴۳۲ق.
۲۷. ابن كثير، اسماعيل بن كثير، البداية والنهاية، تحقيق: على شيري، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق.
۲۸. ابن معد، فخار بن معد، ايمان ابي طالب، تحقيق: محمد بحر العلوم، بغداد: مكتبة النهضة، ۱۳۸۴ق.
۲۹. ابن ناصر الدين، محمد بن عبدالله، توضيح المشتبه، تحقيق: محمد العرقسوسي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق.
۳۰. ابن نجار، محمد بن محمود، ذيل تاريخ بغداد، تحقيق: مصطفى عبدالقادر، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
۳۱. ابن نديم، محمد بن اسحاق، فهرست، تحقيق: رضا تجدد، بي جا: [بي تا].
۳۲. ابو الفرج اصفهاني، على بن حسين، الاغانى، بيروت: دار احياء التراث العربي، [بي تا].
۳۳. —، مقاتل الطالبين، تحقيق: كاظم المظفر، قم: دار الكتاب، ۱۳۸۵ق.

۳۴. اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة*، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
۳۵. برقی، احمد بن محمد، *الرجال*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، بی تا.
۳۶. بروکلیمان، کارل، *تاریخ الادب العربی*، ترجمه: محمود حجازی، مصر: هیئة العامة للكتاب، ۱۹۹۳م.
۳۷. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق: محمد حمیدالله، مصر: دار المعارف، ۱۹۵۹م.
۳۸. تنوخی، محسن بن علی، *الفرج بعد الشدة*، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۴ش.
۳۹. جاحظ، عمرو بن بحر، *البرصان*، تحقیق: عبدالسلام هارون، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۰ق.
۴۰. جوهری، احمد بن عبدالعزیز، *السقیفه وفدک*، تحقیق: محمدهادی امینی، بیروت: شرکتة الکتبی، ۱۴۱۳ق.
۴۱. حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم الادباء*، تحقیق: عمر فاروق، بیروت: مؤسسة المعارف، ۱۴۲۰ق.
۴۲. خراز قمی، علی بن محمد، *کفاية الاثر*، تحقیق: سید عبداللطیف کوه‌کمری، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۴۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۴۴. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۴۵. —، *تاریخ الاسلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۶. —، *میزان الاعتدال*، تحقیق: علی البجاوی، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۸۳ق.
۴۷. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۰م.
۴۸. سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵ش.
۴۹. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، *الانساب*، تحقیق: عبدالله البارودی، بیروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ق.
۵۰. سلفی، احمد بن محمد، *معجم السفر*، تحقیق: عبدالله البارودی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۵۱. صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، قم: مؤسسة البعثة، اول، ۱۴۱۷ق.
۵۲. —، *التوحید*، تحقیق: سید هاشم حسینی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].

۵۳. —، الخصال، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۳ق.
۵۴. —، علل الشرائع، تحقيق: سيد محمدصادق بحر العلوم، نجف: مكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.
۵۵. —، عيون اخبار الرضا، تحقيق: حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة اعلمى، ۱۴۰۴ق.
۵۶. —، كمال الدين، على اكبر غفارى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۰۵ق.
۵۷. —، معانى الاخبار، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ۱۳۷۹ق.
۵۸. —، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، [بى تا].
۵۹. صفدى، خليل بن ابيك، الوافى بالوفيات، تحقيق: احمد الارنؤوط، بيروت: دار احياء التراث، ۱۴۲۰ق.
۶۰. عقيلى، محمد بن عمرو، الضعفاء، تحقيق: امين قلجى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
۶۱. طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى السلفى، [بى جا]: دار احياء التراث العربى، [بى تا].
۶۲. —، المعجم الاوسط، [بى جا]: دار الحرمين، ۱۴۱۵ق.
۶۳. طبرى، فضل بن حسن، اعلام الورى، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۷ق.
۶۴. طبرى، محمد بن جرير، دلائل الامامة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.
۶۵. —، تاريخ الطبرى، بيروت: مؤسسة الاعلمى، [بى تا].
۶۶. طوسى، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، تحقيق: مهدى رجاى، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۴ق.
۶۷. —، الامالى، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۶۸. —، تهذيب الاحكام، تحقيق: سيد حسن خراسان، تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۳۶۴ش.
۶۹. —، رجال طوسى، تحقيق: جواد القيومى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، اول، ۱۴۱۵ق.
۷۰. —، فهرست، تحقيق: جواد قيومى، قم: نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
۷۱. قاضى عبدالجبار، عبدالجبار بن احمد، فضل الاعتزال، تحقيق: فؤاد سيد، تونس: دار التونسية، ۱۴۰۶ق.
۷۲. كحاله، عمر، معجم قبائل العرب، بيروت: دار العلم للملايين، ۱۳۸۸ق.

۷۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۷۴. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، قم: دار الهجرة، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۷۵. مفید، محمد بن محمد، *الامالی*، تحقیق: حسین استادولی، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ ق.
۷۶. ناجی، عبدالجبار، *المدارس التاريخیة*، بیروت: مرکز الاکادیمی للابحاث، ۲۰۱۳ م.
۷۷. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۷۸. نسائی، احمد بن شعیب، *خصائص امیر المؤمنین* علیه السلام، طهران: مکتبه نینوی الحدیثه، [بی تا].
۷۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر، [بی تا].